

تبیین شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی رشته‌های هنری و بررسی میزان

کاربست آنها^۱

Describing the Innovation Indicators in Goals of Art Curricula and their Application in Isfahan Art University

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۱۸، تاریخ ارزیابی: ۱۳۹۳/۹/۱۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۲/۱۵

Setare Musavi- Dr. Mohammadreza
Nili- Dr. Ahmadreza Nasr-Dr.
Mohammad Masud

ستاره موسوی^۲، دکتر محمدرضا نیلی^۳، دکتر
احمدرضا نصر^۴، دکتر محمد مسعود^۵

Abstract: The present study aims to describe the innovation indicators in aims of curricula and their application in Isfahan Art University. This study was conducted within descriptive-analytical survey framework through qualitative and quantitative methods. The statistical population in the qualitative part included the experts in curriculum and Art education from whom 19 individuals were purposefully selected as the samples. The statistical population in the quantitative part included 1110 MA and PhD students studying at Isfahan Art University from whom 300 individuals were randomly selected. The research data was collected through semi-structured interview and researcher-made questionnaires. The results of the qualitative part showed that the most important innovation indicators in goals of Art Curricula consist of: Islamic approach toward the goals of Art curricula, attending to self-direction in the development of aims, training of the thinking skills: inductive, deductive, problem solving and critical students, training students to understand the theoretical foundations of aesthetics (patterns, dimension, and components). In addition, the results of the quantitative part indicated that the application of innovation indicators for "aims" was above the average. And there was a significant difference between the scores for the innovation indicators in the area of aims in terms of gender and faculty.

Key words: aim, Art curriculum, higher education, innovation aim

چکیده: هدف این مطالعه، شناسایی شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی رشته‌های هنری و بررسی میزان کاربست آنها در دانشگاه هنر اصفهان می‌باشد. این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی است و به شیوه ترکیبی (کیفی و کمی) انجام شده است. جامعه آماری بخش کیفی جمعی از صاحب‌نظران در آموزش هنر و متخصصان برنامه‌های درسی در سطح کشور و خارج کشور و اعضای هیات علمی دانشگاه هنر اصفهان بودند، که به روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۹ نفر از آنان انتخاب گردید. جامعه آماری بخش کمی تمامی ۱۱۱۰ نفر دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه هنر اصفهان بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۳۰۰ نفر از آنان انتخاب گردیدند. داده‌های پژوهش ابتدا از طریق مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و در ادامه با استفاده از پرسشنامه محقق-ساخته گردآوری گردید. برای تعیین روایی مصاحبه و پرسشنامه از روایی محتوا، و برای برآورد پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرانباخ استفاده شد. یافته‌های کیفی براساس گویه‌بندی و مقوله‌بندی و یافته‌های کمی با آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شد. طبق نتایج تحقیق در بخش کیفی مهم‌ترین شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی رشته‌های هنری عبارت است از: داشتن رویکردی اسلامی به هدف‌های برنامه‌های درسی هنری؛ توجه به خودراهبری در تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی هنری؛ پرورش مهارت‌های تفکر استقرایی، قیاسی، حل‌مساله و انتقادی دانشجویان؛ تربیت دانشجویانی با تسلط بر مبانی نظری (الگوها، بعدها، مولفه‌ها) زیبایی‌شناسی. هم‌چنین نتایج بخش کمی بیانگر آن است که میزان کاربست شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی رشته‌های هنری در دانشگاه هنر اصفهان، بیشتر از حد متوسط می‌باشد. بین نمرات میزان کاربست شاخص‌های نوآوری برنامه‌های درسی هنری در زمینه «هدف» بر حسب متغیر جنسیت و دانشکده تفاوت معنی داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، برنامه‌درسی هنر، نوآوری هدف

^۱-این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری می باشد

^۲-دانشجوی دکتری برنامه درسی دانشگاه اصفهان : setarehmousavi@gmail.com

^۳- نویسنده مسئول، دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان: m.nili.a@edu.ui.ac.ir

^۴-استاد و عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان: arnasr@edu.ui.ac.ir

^۵-دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه هنر اصفهان: m.masoud@au.ac.ir

مقدمه

نهاد آموزش عالی به عنوان یکی از کلیدی‌ترین نهادهای جوامع بشری، به طور رسمی و ثبت شده در تاریخ، پیشینه‌ای به قدمت بیش از هشت سده دارد. این نهاد بیش از هر نهاد دیگری (از جمله نهادهای اجتماعی و اقتصادی) توانسته است لزوم حضور و ثبات وجودی خود را به اثبات برساند، چرا که دانشگاه یکی از با ارزش‌ترین نهادهایی است که هر جامعه-ای برای دستیابی به پیشرفت و توسعه به آن وابسته است و برای تحقق اهداف عالی خود می‌بایست به آن توجه و روی آن سرمایه‌گذاری نماید (آیت‌اللهی، پوررضائیان و هوشیار، ۱۳۹۱، ص ۶). از جمله ملزومات این بقا نوآوری‌های آموزشی است که توسط برنامه-ریزان درسی و استادان و متخصصان آموزش عالی درک شده، و پاس داشته می‌شود و به نسل‌های بعدی انتقال می‌یابد. در این راستا، یکی از عمده‌ترین وظایف دانشگاه و هدف‌های آموزش عالی، هماهنگ نمودن عنصرهای برنامه‌های درسی با پیشرفت‌های تخصصی و مقتضیات روز جامعه است. مقتضیاتی که متناسب با توسعه دانش و فن‌آوری در حال تغییر و تحول می‌باشد.

برنامه‌های درسی یکی از مهم‌ترین عنصرهای آموزش عالی و دانشگاه‌ها هستند که نقش تعیین کننده و غیرقابل انکاری را در راستای تحقق اهداف و رسالت‌های آموزش عالی از نظر کمی و کیفی ایفا می‌کنند (فتحی و اجارگاه و نوروززاده، ۱۳۸۸). در جامعه ما اگر چه در مقام سخن در رابطه با اهمیت نوآوری صحبت‌های فراوانی وجود دارد، لکن در عمل مؤسسه‌های آموزشی فعالیت‌های خود را با روش‌های سنتی اجرا می‌کنند و تلاشی به عمل نمی‌آورند که به صورت نوین این مؤسسه‌ها را مدیریت و رهبری کنند (آزاد و دیگران، ۱۳۸۸). در حالیکه نوآوری در آموزش عالی باید به عنوان دانش افزوده برای همهی اعضای هیأت علمی مطرح شود، زیرا سازمان‌های آموزشی قرار است انسان‌هایی کارآمد و دانش پژوه را به جامعه تحویل دهد لذا این مسئله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (باراسا، ۲۰۱۰؛ اولیور^۲، ۲۰۰۸). از این رو، توجه به کاربست آموزه‌های نوآوری در موسسه‌های آموزشی اهمیت فراوانی پیدا می‌کند. یکی از ضرورت‌های ایجاد دانشگاه نوآور، بازنگری و طراحی نظام مطلوب برنامه ریزی درسی آن است که دانشگاه‌ها با شناخت نقاط قوت و ضعف خود و امکانات موجود به طراحی برنامه‌های درسی متفاوت در یک رشته خاص بپردازند و بدین ترتیب برنامه‌های درسی از تنوع و هویت محلی برخوردار شوند (مهر محمدی، ۱۳۸۶).

¹ - Barrasa

² - Oliver

تبیین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...

در عصر حاضر که عصر رقابت و نوآوری و خلق رویکردهای تجاری سازی دانش می باشد نقش موسسه های آموزش هنری و دانشگاه های هنر در راستای تسهیل اقتصاد دانش مدار و رشد کارآفرینی به مراتب بیش از پیش می باشد. بنابراین، نگرش ها و دانش های هنرمند در راستای رشد یک جامعه نقشی با اهمیت دارد، نتایج بسیاری از تحقیقات نشان داده است که ارزش آفرینی و نوآوری نقش تعیین کننده و مهمی برای موفقیت حرفه ای و کارآفرینی یک هنرمند دارد (وزارت فدرال علم اقتصاد و تکنولوژی^۱، ۲۰۰۹؛ گرانر^۲، ۲۰۱۲؛ کونراد^۳، ۲۰۱۰).

برای نیل به این هدف های مهم تربیت هنری مورد توجه قرار می گیرد آموزش هنر موجب ایجاد ارتباط معنی دار، بیان خلاق و شخصی؛ اشتیاق به مشاهده؛ کاوش و توسعه مناسب ترین شکل ها و شیوه های ارائه؛ توانایی حس زیبایی شناسی؛ احترام به میراث فرهنگی؛ آگاهی از زندگی و کار هنرمندان؛ آشنایی با تکنیک های جدید تولید هنری؛ تلفیق آموختنی های تازه با تجربیات گذشته و نظایر آن می شود. هنرجویان هم چنان که با فراگیری کلمات و جملات از راه توانایی های زبانی مانند گوش دادن و صحبت کردن، مطالب مورد علاقه شان را از طریق خواندن و نوشتن ارائه می کنند، می توانند با عنصرهای اساسی ای همچون خط، رنگ و شکل از راه تولید هنری، و با کمک توانایی های هنری ای نظیر زیبایی شناسی، تاریخ هنر و نقد هنری اندیشه شان را نشان دهند. با توجه به دیدگاه کثرت گرایی همه هنرها مورد توجه است و برتری - ای به یکدیگر ندارند و نگاه عدالت خواهانه ای وجود دارد و بر راه های مختلف بیان تأکید دارد (لناوی^۴، ۲۰۰۶). در باب اینکه تربیت هنری، چه توانایی ها و شایستگی هایی را باید در یادگیرندگان ایجاد نموده و رشد دهد، دیدگاه ها و رویکردهای متفاوتی وجود دارد، که براساس هر یک از این رویکردها، در مورد مؤلفه های برنامه درسی نظیر هدف، محتوا، روش و ارزشیابی تصمیم گیری می شود. به طور کلی با توجه به رویکردهای مختلف تربیت هنری، برنامه های درسی هنر باید فراگیر را در جهت دستیابی به هدف های زیر توانمند سازد:

- مشاهده، لذت بردن، و پاسخ دهی به اشیاء و تصاویر آشنا و ناآشنای موجود در محیط.

- ایجاد و پرورش حساسیت به ویژگی های خط، شکل، رنگ، تن، بافت، طرح و ریتم و ...

..

1 - Federal Ministry of Economics and Technology

2 - Grüner

3 - Konrad

4 - Lenawee

- بیان اندیشه ها، احساسات و تجارب مرتبط با اشکال هنری به وسیله تخیل به همراه کسب لذت،

- کسب تجارب خود انگیخته و تخیلی با ساختاری فزاینده به کمک مواد و ابزارهای هنری گوناگون،

- بررسی امکانات طراحی مواد از طریق رسانه های دوسه بعدی. به کار بستن مهارت ها و تکنیک ها،

- بروز حساسیت فزاینده به عناصر و آثار هنری. نظر داشتن کنجکاوی و گشاده رویی در آثار هنرمندان،

- بررسی تأثیر جو و موقعیت در آثار هنرمندان به ویژه به هنگام ارتباط با کار خود هنرجو،

- تعیین مجموعه‌ای از رسانه‌های هنری و توصیف برخی از فرایندهای خلاق،

- مباحثه پیرامون مهم‌ترین عنصرهای طراحی کارهای هنری انفرادی به صورت عملی،

- مباحثه درباره عنصرهای طراحی دارای اولویت در آثار هنری خود و سایر همکلاسی‌ها،

- ارزش دهی و اعتباردهی به آثار هنری و فرهنگی بزرگ جوامع مختلف،

- واکنش به تجارب هنری از طریق تخیل،

و استفاده از زبان مناسب پاسخدهی به تجارب هنری (مهرمحمدی، ۱۳۸۳، ص ۷۰).

ورما (۱۹۹۱)، تاکید دارد که طراحی، تدوین، اجرای و ارزیابی برنامه های درسی هنر

باید با توجه به مولفه های زیر محقق شوند:

- عنصرهای تخیل و نوآوری، محوریت تجربه و یادگیری تجربی، خصیصه های فرهنگی و

اجتماعی هنرجویان، مبانی و اصول زیبایی شناسی رشته های هنری، سبکهای یادگیری

هنرمندانه و غیره... (شرفی، ۱۳۹۱).

یکی از موضوعات مهم در برنامه ریزی درسی، اهمیت نوسازی و تجدید نظر در برنامه های درسی و هماهنگ نمودن عنصرهای برنامه های درسی با شرایط در حال تغییر و نا مطمئن است، این در حالی است که در برنامه های درسی کنونی تغییر و باز بینی که همراه با تعدیل و اصلاح اساسی در برنامه درسی باشد به ندرت انجام می شود و در اکثر موارد تنها تغییرات کوچکی اعمال می گردد (پیکو^۱، ۲۰۰۹، ۲۷۴). یکی از مهم ترین و اساسی ترین عنصرهای برنامه های درسی، هدف ها می باشند. هدف ها، عبارت های خاص تری است از آن چه

^۱ - Peeco

تبیین شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی...

دانشجویان به عنوان نتیجه مطالعه یک درس باید قادر به انجام آن باشند. داشتن هدف‌های صریح و روشن، یکی از بعدهای بنیادی برنامه‌ریزی درسی است، زیرا باعث توانایی فرد در انتخاب معقول محتوای فعالیت‌های یاددهی و یادگیری شده و در طراحی ارزیابی معتبر اهمیت دارد. هدف‌ها راهنمای مدرسان و دانشجویان هستند، اما نباید آن‌قدر انعطاف‌ناپذیر باشند که مانعی برای پویایی دانشجویان که لازمه آموزش عالی است گردند (نصر و همکاران، ۱۳۸۶).

با توجه به پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر درباره آموزش هنر انجام شده است (شرفی ۱۳۸۵، ۱۳۸۸، ۱۳۹۰) از جمله مشکلات جاری در حوزه برنامه‌ریزی درسی هنر عبارتند از: کمبود هنرآموز در گروه تحصیلی هنر دوره متوسطه؛ وجود مربیان هنر غیرمرتبط در مقاطع مختلف آموزشی و کمبود نیروی انسانی خلاق و برخوردار از مهارت‌ها و راهبردهای ارتباطی/اطلاعاتی در تدریس می‌باشد و با توجه به اینکه نوآوری و بازنگری برنامه‌های درسی این رشته به خصوص در آموزش عالی نسبت به سایر رشته‌ها مورد توجه کمتری واقع شده است و همچنین، پژوهش‌های مرتبط با برنامه‌های درسی بیشتر به کیفیت، تغییر و بازنگری برنامه‌های درسی محدود شده است، و به شناسایی شاخص‌های نوآوری در عرصه هدف‌های برنامه‌های درسی هنر چندان توجهی نشده است و در این راستا، تحقیق حاضر شاخص‌های مرتبط با نوآوری برنامه‌های درسی هنری در عنصر هدف را شناسایی (برای پاسخ به این سوال، ابتدا دیدگاه‌های صاحب‌نظران کشورمان و سایر کشورها در زمینه نوآوری در هدف‌های برنامه درسی به طور اختصار بررسی شده) و تبیین نموده و در ادامه میزان کاربست این شاخص‌ها را از دیدگاه دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان جویا شده است، از جمله دلایل انتخاب دانشگاه هنر -توجه ناکافی به برنامه‌های درسی هنر به طور خاص و نوآوری‌های برنامه‌های درسی به طور عام و نیز تدوین آیین‌نامه‌های جدید وزارت علوم در راستای نوآوری و تغییر برنامه‌های درسی هنر می‌باشد.

مبانی نظری

هنر بیانگر خصیصه‌ای است که یک جامعه را تعریف می‌کند و تفاوت‌ها و دگرگونی‌های جامعه را به تصویر می‌کشد. هر فرهنگ و تمدنی خودش را از طریق هنر ابراز می‌کند. موضوع هنر به عنوان پیامد و نتیجه تفکر انسانی و مهارت خلاق تصویرگری می‌شود. بنابراین یک هنر بیانگر ماهیت جامعه بسترساز آن می‌باشد (آبسی^۱، ۲۰۱۳، ص ۶۹۱).

^۱ - Abaci

در بعضی دیدگاه‌ها، مفهوم هنر به دو تعریف محدود می‌شود؛ نخست هنر به عنوان ایده و دوم هنر به عنوان شکل که در رابطه با آثار هنری مطرح است (دیسکارتیس^۱ و اسپینوزا^۲، نقل شده در لیو^۳، ۲۰۱۱). در این راستا، تولید هنری با توجه به فکر هنرمند و ساختن آن در برنامه‌های درسی آموزش هنر شکل می‌گیرد. مؤلفه‌های مهم تولید هنری در رویکردهای آموزش هنر عبارت از، شهود و تخیل (رویکرد سنتی)؛ ساخت و خلق اثر هنری (رویکرد دیسپلینی)؛ کل اثر هنری (رویکرد دریافت احساس و معنا)؛ تأمل، وسعت، عمق بخشیدن و تمرکز فکر (رویکرد مشاهده آثار هنری)؛ تولید معنا و برانگیختن عواطف و احساسات (رویکرد زیبایی شناختی) است (مهرمحمدی، ۱۳۸۳).

از جمله رویکردهایی که در زمینه تربیت و تولید هنری به طور عام و تولید هنری به طور خاص مطرح است عبارت است از: رویکرد (یافتن^۴ شیء هنری به صورت ذهنی و واقعی)، رویکرد کارکردی^۵ (ساخته^۶ شده توسط انسان) و رویکرد نهادی^۷ (قلمداد کردن اثر هنری توسط جامعه هنری و سازمان‌های مرتبط مثل مدارس، دانشگاه‌ها، آموزشگاه‌های آزاد و نظایر آن) و همچنین سوق دادن موضوع ذهنی به عینی (ادراک گرایی^۸)؛ بازنمایی با استفاده از عناصر بصری (فرم گرایی^۹)؛ ساختن براساس توانایی‌های فردی، شهودی و عاطفی (بیانی^{۱۰})؛ پیروی از نمونه‌ها و انواع پیش‌انگاشته شده در تخصص هنری معلم (مبتنی بر ژانر^{۱۱})؛ پیروی از نمونه‌های اصیل و آثار هنری معتبر (اقتباسی^{۱۲})؛ توسعه دانش و مهارت‌های فنی هر یک از ژانرها (فن محوری)؛ دست ساخته‌ها به صورت مضمونی و دیدنی (شی محوری^{۱۳}) مبتنی بر اثر هنری؛ مطالعه هنر به عنوان شناخت و تولید معانی اجتماعی و فرهنگی پنهان و فرایندهای تحلیلی (نقادی و موقعیتی^{۱۴})؛ واکنش به رویدادها و مسایل بحث‌انگیز از طریق تلفیق مسایل

1 -Descartes

2 -Spinoza

3 - Liu

4 -Finding

5 -Functional

6 -Made

7 -Institutional

8 -Perceptualist

9 -Formalist

10 -Expressive

11 -Genre – Based

12 -Pastiche

13 -Object – Based

14 -Critical and Contextual

تبیین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...

انسانی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی (مسأله محوری^۱)؛ تأکید بر دیدگاه‌ها و رویکردهای چندگانه و متکثر و پذیرش تکنولوژی‌های جدید (پست مدرن^۲) اینها رویکردهای برنامه درسی هنر را تشکیل می‌دهد که مؤلفه‌های پیش گفته در ایجاد ایده و ساختن آن (تولید هنری) نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کنند (مهرمحمدی، ۱۳۸۳). محتوای آموزش هنر که مربوط به تدریس می‌شود، شامل موارد زیر است (استانداردهای هنر، ۱۹۹۶، نقل شده در هیک من^۳، ۲۰۰۰، ص ۱-۱۸):

- جنبه های ذهنی: شامل ایده، فعالیت ذهنی، نمادها، تم‌ها و استعارات
- جنبه‌های عینی: شامل شکل، کیفی تهای حسی و سبک ارائه
- فرم‌های هنری: شامل هنرهای تجسمی و نمایشی (طراحی و نقاشی، کاردستی، نمایش، موسیقی و)...
- دانش فنی: شامل ابزارها، تکنیک‌ها و...
- معانی: شامل توصیف کردن، ادراک کردن، تفکر عمیق و...
- بافت‌ها: فرهنگ و جامعه، هنرمندان، زمان، مکان، اهداف، سبک، ژانر و...
- نظریه‌ها و اصول: پرسش درباره ارزش هنری و تجربه زیبایی شناسی

از این‌رو، بر ویژگی‌هایی به شرح زیر درباره تولید هنری تأکید می‌شود:

- ✓ هنر از روی قصد و هدف مشخصی ساخته می‌شود.
 - ✓ هنر به وسیله انسان مونتاز می‌شود و می‌توان آن را سرهم کرد.
 - ✓ هنر به طور معمول مبتنی بر فکر و اندیشه، نماد و عناصر حسی است.
- با توجه به محتوای آموزش هنر، تولید هنری فرایند واکنش به مشاهدات، ایده‌ها، احساسات و تجربیات دیگر به وسیله خلق کارهای هنری به طور استادانه و فکورانه، کاربرد تخیلی ابزارها، وسایل و تکنیک‌ها با رسانه‌های متنوع است. آثار هنری، تولیداتی است که از درگیر شدن بین هنرمند و هدف‌شان، مفاهیم مورد نظرشان، نگرش‌شان، فرهنگ‌شان و رسم‌های اجتماعی‌شان و همچنین مواد و رسانه‌ای که آنها برای کارشان انتخاب می‌کنند، حاصل می‌گردد (گتی، نقل شده در ویلسون^۴، ۲۰۰۲).

1 -Issue – Based

2 -Postmodern

3 -Hickman

4 -Wilson

در مجموع می‌توان اظهار داشت که آموزش هنر، مسئله‌ای فراتر از تدریس مهارت‌ها، فعالیت‌ها و دانش خاص به یادگیرندگان است. برنامه‌های درسی هنر باید رشد دانش و مهارت-ها را در زمینه‌های زیر ترغیب کند: یک یا چند رشته‌ی هنری. اشکال هنری میان رشته‌ای. روش‌های تدریس هنرها. روش‌های تدریس بین‌رشته‌ای درون و از طریق هنرها. طراحی برنامه درسی. سنجش و ارزیابی متناسب با تربیت هنری. تربیت هنری رسمی (موسسه محور). تربیت هنری غیر رسمی (اجتماع محور). بنابراین، شایسته است که حداقل در سطح‌های منطقه‌ای و ملی، دستورالعمل‌ها و استانداردهایی برای آماده‌سازی استادان رشته‌های هنری در آموزش‌های قبل از خدمت تنظیم شود (کنفرانس جهانی آموزش هنر^۱، ۲۰۰۶؛ انجمن ملی تربیت هنری^۲، ۲۰۰۲).

الیوت آیزنر^۳ (۱۹۷۲: ۱۸۴) ضرورت آموزش هنر را به اجمال در زیر خلاصه کرده است: آموزش هنر برای یک ضرورت ذهنی و شناختی (این آموزش مشارکت، یادگیری و خلاقیت را افزایش داده و فرد را در کسب توانایی برای ابراز خودش و انتخاب مسیر صحیح در پروراندن ابعاد درونی اش یاری می‌رساند). آموزش هنر برای ضرورتی فردی (آموزش هنر رشد عاطفی، زیبایی شناختی، اخلاقی و فیزیکی فرد را ایجاب می‌نماید). آموزش هنر برای ضرورتی مولد و کارآمد (ارزش‌های فردی فراگیر رشد و نمود پیدا کرده و منجر به مشارکت او در فرایند تولید و هنرسازی می‌شود). به منظور اینکه آموزش هنری به طور مناسب پیاده و آرمان‌های خود را محقق سازد نیازمند، ساختار فیزیکی مناسب، مدرسان با صلاحیت، فراگیران روشن‌بین و جویای شکوفایی و آفرینش می‌باشد (سahan^۴، ۲۰۰۹، ۹۸۶ به نقل از گازارنیگا^۵، ۲۰۰۸، ص ۴). ویزه^۶ و فراری^۷ (۲۰۱۴)، آیزل^۸ (۲۰۱۴)، شرفی^۹ (۱۳۹۰)، شرفی و سلسبیلی^{۱۰} (۱۳۹۳)، صابری و همکاران^{۱۱} (۱۳۹۲)، کیان و مهر محمدی^{۱۲} (۱۳۹۲)، قدمی^{۱۳} (۱۳۹۲) در راستای نوآوری برنامه‌های درسی هنری به تحقیق پرداختند و ضرورت نوآوری برنامه‌های درسی هنری را نشان دادند.

پیشینه

در مطالعه علیاری و همکاران (۱۳۹۱) عوامل، ملاک‌ها و شاخص‌های تدوین شده جهت اعتبارسنجی برنامه درسی کارشناسی پیوسته رشته پرستاری، دارای چند ویژگی شامل: رعایت

1 - The World Conference on Arts Education

2 - The National Art Education Association

3 - Eliot W. Eisner

4 - Sahan

5 - Gazzaniga

6 - Wyse

7 - Ferrari

8 - Aysel

تبیین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...

استانداردهای بین المللی برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری، توجه به تمامی عناصر برنامه درسی، رعایت قانونمندی های برنامه درسی و استانداردسازی و تعیین وزن عوامل، ملاک ها و شاخص ها می باشند .

کرمی(۱۳۹۲) نشان داد که طراحی و سنجش تاثیر محیط های یادگیری سازنده گرا بر رضایت، نگرش و یادگیری در آموزش عالی تاثیری مثبت و معنادار دارد.

نیلی و همکاران(۱۳۹۳) نشان دادند که میزان آگاهی اعضای هیئت علمی دانشگاه های اصفهان و صنعتی اصفهان در خصوص نوآوری در انتخاب محتوا، روش های نوآورانه تدریس و شیوه های نوین ارزشیابی در سطح «زیاد»، میزان آگاهی آنها از انتخاب هدف های نوآورانه، شیوه های نوین تنظیم تجربه های یادگیری در سطح «متوسط» و میزان آگاهی آنان از کاربری نوآوری برنامه ریزی درسی کمتر از سطح متوسط است.

فیلیمو ویکز^۱ و تزانکوبا^۲ (۲۰۱۴) به منظور تحقق نوآوری با استفاده از فناوری در آموزش هنری یک پروژه ای طراحی کرده بودند که بیانگر معرفی و مقدمه طراحی درس عکاسی دیجیتال بود و پیامدهای متعادل یادگیری را در چارچوب کلاسی وسیع فراهم می ساخت. هدف از پروژه معرفی رویکرد موردی به تدریس و یادگیری و ارائه مدل بازخوردی چندگانه بوده است. نتایج نشان داده است مدل بازخورد چندگانه فضای یادگیری را بسط داده و محیط تجربی و آموزه های واقعی را در آموزش فعال تسهیل می سازد و رویکرد موردی به تدریس و یادگیری باعث تسهیل یادگیری نوآورانه و توجه متوازن به تفاوت های یادگیری می شود و میزان رضایت هنرجویان را از برنامه های درسی اجرا شده را بهبود می بخشد.

تحقیق آسرت و همکاران^۳ (۲۰۱۳) نشان داده است که نوآوری در هدف های برنامه های درسی اساساً بر رشد تسلط بر مهارت های کاربردی کاربست تکنولوژی آموزشی، بازیابی اطلاعات، پردازش و تولید محتوا، ارتباطات از طریق تکنولوژی آموزشی و کاربردی تکنولوژی آموزشی برای موضوع یادگیری مرتبط است. نتایج نشان داد بین مفهوم های سواد اطلاعاتی، و هدف های خاص و عمده در برنامه های درسی تکنولوژی آموزشی ناهمخوانی و تفاوت هایی وجود دارد.

رجب^۴ (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی و تدوین فرایند تدریس تعاملی و مشارکتی در راستای تحقق نیازهای حرفه ای مدرسان پرداخت. این تحقیق رویه های آموزشی مدرسان را درون مدارس متوسطه سریان^۵ بررسی می کند و نشان می دهد علیرغم، تلاش های رسمی و

1 - Filimowicz

2 - Tzankova

3 - Aesaert • Vanderlinde • Tondeur • van Braak

4 - Rajab

5 Syrian

قانونی در راستای نوآوری‌های آموزشی در زمینه تدوین و اجرای برنامه‌های درسی باز در متون درسی و کلاس‌های آموزشی به جای رویه‌های فراگیر محور و پرورنده فهم و درک شناختی معلمان و دانش‌آموزان بر یادگیری طوطی وار و مکانیکی و معلم محور تاکید می‌شود. در صورتی که با عدم مشارکت فراگیر و بی توجهی به کاربرت رویه‌های نوآوری آموزشی بسیاری از فرصت‌های رشد اجتماعی، تخصصی فراگیران نادیده انگاشته می‌شود. بر پایه این تحلیل ما نیازمندیم که در رشد حرفه‌ای معلمان و استادان به صورت عملی در طی مرحله نوآوری برنامه درسی، کاربرت رویکردهای مشارکتی در نظام آموزشی سریان را مورد توجه قرار دهیم و در واقع، بخش اعظم فرسودگی تحصیلی دانشجویان به دلیل تاکید بی فایده اساتید و معلمان بر کاربرت روش‌های آموزش سنتی به دلیل ناآگاهی علمی و آکادمیک آنها در زمینه نوآوری‌های آموزشی می‌باشد.

در زمینه نقش جنسیت در کاربرت نوآوری‌های آموزشی، یافته‌های تحقیقات متعدد، حاکی از آن است که تفاوت معناداری میان اساتید زن و مرد در زمینه‌های به کارگیری نوآوری-های آموزشی وجود دارد؛ و بیشتر تحقیقات نشان دادند که مردان از نوآوری‌های آموزشی بیشتر از زنان استفاده می‌کنند (پاپاسترگیو^۱، ۲۰۰۸).

سازمان رشد و توسعه اقتصادی^۲ در گزارشی به منظور بررسی اصلاحات و نوآوری‌های آموزشی نشان دادند در زمینه مقایسه به کارگیری میزان کاربرت نوآوری‌های آموزشی بر اساس رشته‌های تحصیلی، یافته‌ها حاکی از آن است که تفاوت معناداری در تمامی حیطه‌ها (ی نوآوری‌های آموزشی (آموزش، پژوهش) در رشته‌های مختلف تحصیلی وجود دارد؛ بدین معنا که بیشترین استفاده کنندگان از نوآوری‌های آموزشی دانشجویان رشته‌های عملی چون کامپیوتر و کمترین استفاده کنندگان، دانشجویان رشته‌های ریاضی و آمار هستند که علت این امر گنجاندن دروس بیشتر مرتبط با فناوری‌ها و نوآوری‌های آموزشی در دروس دانشجویان رشته‌های عملی چون کامپیوتر است.

در زمینه دیدگاه دانشجویان در راستای به کارگیری نوآوری‌های آموزشی در ارتباط با مقاطع تحصیلی، یافته‌های پژوهش‌های مختلف حاکی از آن است که تفاوت معناداری میان برنامه‌های درسی مقاطع تحصیلی مشاهده می‌شود؛ بدین صورت که در برنامه‌های درسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی (ارشد و دکترا) از نوآوری‌های آموزشی، بیشتر از دانشجویان کارشناسی است که معمولاً علت آن را، ناشی از ضعف روحیه پژوهشگری در دانشجویان کارشناسی و

1 - Papastergiou

2 - Organization for Economic Co-operation and Development

تبیین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...
به طور کلی درگیری بیشتر دانشجویان تحصیلات تکمیلی نسبت به این فناوری ها و دانشجو محور بودن شیوه تدریس در مقطع کارشناسی ارشد می دانند(وینر و همکاران^۱، ۲۰۱۳).

وی^۲ (۲۰۱۳) نشان داد که روش تدریس ابتکاری خلاقیت فراگیران را برانگیخته و توانایی های آنان را بسط می دهد روش تدریس ابتکاری در آموزش و برنامه های درسی هنر از شخصی به شخص دیگر متفاوت است و نیز از فرهنگی به فرهنگی متفاوت می باشد و برنامه های درسی هنر می توانند خصیصه های ملیت ها و فرهنگ های مختلف را در زمان اجرای اصول اساسی آموزشی مد نظر قرار دهد و نیز همچنین خصیصه های فرهنگ سنتی را مد نظر قرار داده و دانشجویان را متناسب با توانمندی هایشان آموزش داده و رویکردهای نوآورانه متفاوتی را در آموزش بر حسب تفاوت های فرهنگی به کار بست به گونه ای که نوآوری برنامه های درسی هنر محقق شوند و توانمندی های هنرجویان به صورت چندگانه رشد یابند(ویز و فراری، ۲۰۱۴).

مورنو^۳ (۲۰۱۰) نشان داد؛ استفاده از تکنولوژی، تفکر خلاق، توسعه و ارتباط بین عقاید و چشم انداز دنیای خود، دستیابی به موفقیت در حیطه های مختلف فعالیت و عمل، توسعه دانش و درک و فهم، ایجاد فرصت های چندگانه انتخاب و تصمیم گیری های آگاهانه، کاربست شیوه های مختلف در زمینه های گوناگون، هم افزایی و دیالوگ از جمله شیوه های نوین آموزشی در برنامه های درسی و آموزشی قلمداد می شوند و منجر به بسط روحیه دانش پژوهی و نوآوری و ارزش آفرینی فراگیران خواهد شد. در پژوهشی اندرسون^۴ (۲۰۱۰) نشان داده است؛ که عمده ترین نیازهای آموزشی استادان عبارتند از؛ تسلط ناکافی بر رویه ها و رویکردهای مناسب تعامل با دانشجویان، ضعف دانش شناختی و رویه ای اساتید در زمینه نوآوری های آموزشی، آشنایی محدود با رویه های جدید ارزشیابی و مدیریت کلاس درس و کاربست فناوری و تجهیزات مناسب آموزشی است، همچنین نشان داده است بین نیازهای آموزشی اساتید بر حسب مولفه سابقه خدمت تفاوت معنادار وجود دارد(اندرسون، ۲۰۱۰). چنج^۵ (۲۰۰۹) نشان داد که اکثریت اعضای هیأت علمی در فعالیت های علمی خود از نوآوری های آموزشی استفاده چندانی نمی کنند و نیز در مصاحبه با اعضای هیأت علمی و دانشجویان دریافتند، برنامه

1 - Winner, E., Goldstein, T. and Vincent-Lancrin, S

2 - Wei

3 - Moreno

4 - Anderson

3- Cheng

های درسی با انتظارات دانشجویان به منظور کسب مهارت‌های نوین هماهنگ نیست و میزان سطح درک مفهوم نوآوری هنوز بین دانشجویان و اعضای هیأت علمی پایین می باشد.

سوالات پژوهش

۱- شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه درسی رشته‌های هنری کدامند؟

۲- میزان کاربست شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه درسی دانشگاه هنر

اصفهان تا چه حدی است؟

۳- آیا بین دیدگاه‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه هنر اصفهان در

مورد میزان کاربست شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه درسی دانشگاه هنر

اصفهان بر حسب مولفه‌های دموگرافیک (جنسیت، دانشکده و مقطع تحصیلی)

تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع توسعه ای است. در انجام بخش‌های مختلف این پژوهش به تناسب

موضوع، از رویکرد کمی^۱ (توصیفی-پیمایشی) و کیفی^۲ استفاده شده است. جامعه آماری این

پژوهش شامل دو بخش است: الف) صاحب نظران و متخصصان آموزش هنر در سطح داخل و

خارج کشور (شناسایی شاخص‌های نوآوری برنامه‌های درسی)، بخش کیفی جامعه آماری این

پژوهش را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش با ۱۹ نفر از صاحب نظران آموزش هنر (داخلی و

خارجی) (۵ نفر از اعضای کمیته بازنگری برنامه‌های درسی دانشگاه، ۱ نفر سر گروه آموزشی و

۹ نفر از اعضای هیأت علمی باتجربه دانشگاه و متخصصان رشته‌های هنری در سطح کشور و

همچنین ۴ نفر از اساتید صاحب نظر دانشگاه‌های خارج از کشور) مصاحبه نیمه ساختار یافته

انجام گرفته است که نمونه این پژوهش بوده اند؛ قابل ذکر است، از آنجا که محققان امکان

حضور در کشورهای خارجی نداشتند، به صورت ایمیلی فرم مصاحبه برای اساتید ارسال کردند

(ب) ۱۱۱۰ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه هنر اصفهان، جامعه آماری بخش کمی

این پژوهش را تشکیل می دهند.

روش نمونه‌گیری اولیه برای انتخاب صاحب نظران و متخصصان، اعضای هیأت علمی و

اعضای کمیته‌های بازنگری برنامه‌های درسی در این پژوهش، بر مبنای منطق هدف‌مند بوده

است (کرسول، ۲۰۰۷) و از نوع نمونه‌گیری برای رسیدن به معرف بودن و یا قابلیت

1 - quantitative

2- qualitative

تبیین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...

مقایسه‌امی باشد (تشکری و تدی^۲، ۲۰۰۳). در واقع افرادی انتخاب شده اند که در رابطه با موضوع این پژوهش، «نمونه های بارز» به شمار آمده و از اطلاعات ارزشمندی برخوردار بوده‌اند (ویلیامز^۳، ۲۰۰۶، ص ۷۹). علاوه بر روش نمونه گیری هدفمند، در جریان مصاحبه‌ها از روش نمونه‌گیری شبکه‌ای نیز استفاده شده است (نوی^۴، ۲۰۰۸، ص ۳۳۰). در این شیوه، از اولین مصاحبه شونده خواسته شده است تا افراد دیگری را که برای انجام مصاحبه پیرامون موضوع پژوهش مناسب می‌دانند، معرفی نمایند. در مورد صاحب نظران، حجم نمونه به صورت کمی محاسبه نشده است. چون برای پژوهش کیفی نمونه بسیار بزرگ یا کوچک توصیه نشده، بلکه حصول معیارهایی مانند اشباع داده‌ها^۵ و تکرار اطلاعات^۶ کفایت حجم نمونه را نشان می‌دهد (آنیگ بازی^۷ و لیچ^۸، ۲۰۰۷، ص ۲۴۲؛ گست^۹ و همکاران، ۲۰۰۶، ص ۵۹، به نقل از شریفیان و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۵۴). برای انتخاب دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه هنر اصفهان نیز از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای یا لایه‌ای^{۱۰} استفاده شد. به این گونه که همگی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه هنر اصفهان، در دانشکده‌های مختلف انتخاب شدند. نمونه بخش کمی این پژوهش در مجموع ۲۸۵ نفر دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه هنر اصفهان شامل ۸۰ نفر (۲۰/۶ درصد) دکتری و ۲۰۵ نفر (۷۹/۴ درصد) کارشناسی ارشد بوده است (از نظر جنسیت ۱۰۰ نفر مرد و ۱۸۵ نفر زن). حجم دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه هنر اصفهان به چند صورت محاسبه شده است. در روش اول با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران، تعداد مورد نیاز دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه هنر اصفهان برای نمونه پژوهش مشخص گردید (طبق فرمول کوکران تعداد ۲۸۵ پرسشنامه کفایت می‌کند). علاوه بر این، پس از انجام پژوهش، توان آماری آزمون، محاسبه و با توجه به اینکه توان آماری برابر با ۱ بود، کفایت حجم نمونه تایید شد.

از روش کیفی، برای کسب دیدگاه‌های متخصصان و صاحب‌نظران داخل کشور و خارج از کشور در مورد شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه های درسی هنر و از روش کمی برای

1 - Sampling to Achieve Representativeness or Comparability

2 - Tashakkori A, Teddlie C

3 - Williams

4 - Noy

5 - data saturation

6 - Informational redundancy

7 - Onwuegbuzie

8 - Leech

9 - Guest

10 - Stratified random sampling

جمع آوری نظرات از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه هنر اصفهان استفاده شده است. از یافته‌های بخش کیفی یعنی متن مصاحبه‌ها، علاوه بر پاسخ‌گویی به سؤال‌های پژوهش، برای ساخت ابزار بخش کمی نیز استفاده گردیده است. برای ساخت ابزار، پس از پیاده سازی متن مصاحبه‌ها، با محور قراردادن شاخص‌های نوآوری مورد نظر در سؤالات پژوهش، گویه‌های اساسی مربوط به زمینه «نوآوری در هدف‌ها» استخراج و در متن پرسشنامه قرار گرفت. با این توضیح، در این پژوهش روش ترکیبی اکتشافی^۱ نیز به کار رفته است (پلانوکلاک^۲ و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۳۷۲؛ کرسول^۳ و پلانوکلاک، ۲۰۰۷، ص ۶۲-۷۲).

در این پژوهش از دو ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته و پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. پژوهش‌گر برای کسب دیدگاه‌های صاحب نظران آموزش هنر و متخصصان برنامه‌های درسی در مورد موضوع مورد نظر، با آنان مصاحبه انجام داده است. روایی فرم مصاحبه از سوی افرادی که روایی پرسشنامه را مطالعه نموده‌اند، بررسی و تأیید گردید. پایایی فرم مصاحبه با قرار دادن خلاصه مطالب و مقوله‌های تعیین شده در اختیار سه نفر آگاه به روش‌های پژوهش کیفی و اعمال نظرهای آنان و نیز با استفاده از روش سه سوسازی^۴ (مقایسه یافته‌های حاصل از مصاحبه و پرسشنامه) بررسی شده است. از آنجا که پیرامون موضوع این پژوهش پرسشنامه استاندارد شده‌ای وجود نداشت، برای جمع آوری اطلاعات از نمونه مورد نظر، پرسشنامه محقق ساخته به کار رفته است. به منظور تعیین روایی محتوایی^۵ دو ابزار مصاحبه و پرسشنامه، از نظرهای ۱۲ نفر از اعضای هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه اصفهان که در این زمینه از تخصص لازم برخوردار بوده‌اند، استفاده گردید. برای برآورد پایایی و همبستگی درونی سؤالات پرسشنامه از آلفای کرانباخ استفاده شد. پس از انجام مطالعه مقدماتی بر روی ۳۶ نفر از افراد جامعه و تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها، مشخص گردید که پایایی ۰/۹۹ برآورد گردید.

برای تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها روش‌هایی ارائه شده است که می‌توان با استفاده از آنها، گزاره‌ها و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان را تحلیل کرد (کرسول، ۲۰۰۷، ص ۱۴۴-۱۷۷؛ کمبل^۶ و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۱۲۵-۱۴۷؛ ماسون^۷، ۲۰۰۲، ص ۹۱-۹۶). به طور معمول

1 - exploratory

2 - Plano Clark

3- Creswell

4 - triangulation

5 - Content validity

6 -Campbell

7 -Mason

تبیین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...

برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از چند مرحله یا گام استفاده می‌شود که عبارتند از: فراهم‌سازی داده‌ها^۱، سازمان‌دهی داده‌ها^۲، تقلیل و تلخیص داده‌ها^۳ در قالب مقوله‌ها از طریق کدگذاری و متمرکز و ترکیب کردن^۴ کدها و در نهایت، ارائه داده‌ها به صورت تصویر، جدول یا بحث (کرسول، ۲۰۰۷، ص ۱۴۸). به این طریق در پژوهش حاضر نیز مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت فوق انجام گردید. به این صورت که مصاحبه‌ها به صورت حضوری و با ضبط صوت انجام و سپس با پیاده‌سازی و ماشین‌نویسی گفته‌های افراد، مقوله‌بندی آنها با کمک نرم‌افزار مکس - کیودا^۵ انجام شده و پس از تعیین پایایی، مقوله‌بندی و موارد مطرح شده و گزاره‌ها در مقوله‌های مربوطه قرار گرفت و در نهایت یافته‌ها به صورت جدول و بحث ارائه گردیده است. برای گردآوری داده‌ها به وسیله پرسشنامه^۵ مربوط به دانشجویان به روش حضوری و ارسال از طریق پست الکترونیکی، پرسشنامه بین آنان توزیع و پس از پیگیریهای متعدد، گردآوری گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

از آنجا که رویکرد این پژوهش ترکیبی (کیفی-کمی) بوده است، لذا یافته‌های کیفی و کمی به تفکیک و بر اساس سوالات پژوهش ارائه شده است. در بخش کیفی با استفاده از روش مقوله‌بندی بر اساس گام‌های تحلیل داده‌های کیفی، اقدام به تحلیل داده‌ها شده است. بدین منظور پس از پیاده‌سازی متن ۱۹ مصاحبه، به منظور شناسایی، واکاوی و تبیین شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنری، موارد چندین بار موردکند و کاو قرار گرفت و جملات معنی‌دار در تک‌تک مصاحبه‌ها مشخص گردید و ۱۷۸ گزاره (کد) استخراج شد. پس از انجام تحلیل محتوا بر روی گزاره‌های به دست آمده، در مرحله دوم ۱۲۷ و در مرحله سوم ۸۹ گزاره حاصل شد و بر این اساس مقوله‌های اصلی تعیین گردید و نهایتاً ۷ محور یا مقوله اصلی طبقه‌بندی و استخراج گردید و در هر مقوله موضوعات مهم‌تر به تفکیک مشخص و به عنوان شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنری در نظر گرفته شد که در این مقاله با توجه به اهمیت موضوع، تبیین شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی و تعیین میزان

1 -preparing

2 -organizing

3 -reducing

4 -condensing

5 - MAX. QDA

ستاره موسوی ، دکتر محمد رضا نیلی ، دکتر احمد رضا نصر ، دکتر محمد مسعود
 کاربست آنها مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه شاخص‌های اظهار شده و استخراج شده
 مورد نظر ارائه شده است
 جدول ۱: مهم‌ترین شاخص‌های اظهار شده نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنری توسط
 مصاحبه‌شوندگان

ردیف	شاخص‌ها
۱	رویکردی اسلامی به تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی رشته‌های هنری
۲	توجه به خود راهبری دانشجویان، در تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی رشته‌های هنری
۳	پرورش مهارت‌های تفکر؛ استقرای، قیاسی، حل مسأله و انتقادی دانشجویان
۴	تربیت دانشجویانی با تسلط بر مبناهای نظری (الگوها، بعدها، مولفه‌ها) زیبایی شناسی
۵	پرورش روحیه پژوهش‌گری و اکتشاف هنری در دانشجویان
۶	بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و دانش نوین در زمینه تحلیل آثار هنری به منظور تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی هنری
۷	طراحی و تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی هنر براساس رویکرد تلفیق هنر و دیسپلین‌ها

سوال اول: شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی رشته‌های هنری

کدامند؟

از نظر مصاحبه‌شوندگان ۷ شاخص مندرج در جدول ۲ مهم‌ترین شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنری از دید اعضای هیات علمی و صاحب‌نظران آموزش هنر است، که در ادامه مطرح و همراه با مختصری از گزیده‌ی مصاحبه‌ها ارائه می‌گردد.

۱- رویکردی اسلامی به تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی هنری: این

شاخص نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنر توسط ۱۴ نفر از افراد شرکت‌کننده در پژوهش توصیه و مورد تأکید قرار گرفت. به زعم مصاحبه‌شوندگان (۱۰، ۵، ۳، ۱)، شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی رشته‌های هنری در درجه اول بر ایدئولوژی و نظام ارزشی حاکم بر جامعه متمرکز است (همان هنر اسلامی ایرانی). مصاحبه‌شونده شماره ۷ معتقد بود که «در خصوص چالش‌های آموزش هنر

تبیین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...

در سطح جهان باید راهکارهایی بسته به نیاز هر جامعه، پیشنهاد گردد، در ایران نیز مطالعه بر شیوه‌ها، اطلاعاتی در دست است آنچه که از واژه اسلام در آموزش در ذهن مترتب است و توجه به هنر اسلامی در تدوین گام اول برنامه درسی از ملزومات نوآوری برنامه های درسی هنری است.» به زعم (نظر مصاحبه شونده شماره ۱،۳ و ۴)، با مطالعه دیدگاه‌های آموزش هنری سنتی در آراء فارابی، ابن خلدون، فتوت‌نامه بنیان و رساله هنری، می‌توان به جایگاه هدف‌ها و شیوه‌های بروز خلاقیت در یادگیرنده دست یافت که عمدتاً مبتنی بر تلفیق آموزش‌های علمی و عملی، دینی و عرفانی و اخلاقی هستند.

۲- توجه به خود راهبری دانشجویان، در تدوین هدف‌های برنامه‌های

درسی رشته‌های هنری: این شاخص نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنر توسط ۱۴ نفر از افراد شرکت کننده در پژوهش توصیه و مورد تأکید قرار گرفت. به زعم مصاحبه کننده شماره ۱۱، «با توجه به اینکه در تدریس درس‌های هنری، توانمندی‌های زیبایی‌شناختی و روان‌شناختی و عملی تک تک هنرجویان بیش از پیش اهمیت می‌یابد، توجه بیشتری به آموزش انفرادی یک ضرورت اساسی در فرایند برنامه‌ریزی درسی است و این محوریت هنرجو باید در گام اول؛ تدوین هدف‌ها به منزله جهت دهنده سایر عنصرهای برنامه-های درسی هنری جلوه بیشتری داشته باشد. در واقع با تأکید بر خود راهبری در تدوین هدف‌ها، هنرجویان با توانایی‌های مختلف، می‌توانند همگام با آهنگ یادگیری و تولید هنری خود به پیش بروند. با اتخاذ این رویه، هنرجویان بیشتری در فرایند تولید هنری موفق می‌باشند.» به زعم مصاحبه شونده‌گان (شماره ۱۱، ۹، ۸، ۷) پیامد کاربست رویکرد خودراهبری در تدوین هدف‌های برنامه های درسی هنری، آن نوع فعالیت است که در آن دانشجوی فراسوی یک شنونده یا یادداشت بردار منفعل است. او مجاز است در بعضی زمینه‌ها در کلاس پیش قدم شود. استاد نیز کمتر سخنرانی می‌کند و در عوض هنگامی که با دیگر دانشجویان برای تفهیم آثار هنری کار می‌کند، آنها را در جهاتی هدایت می‌کند که امکان کشف اطلاعات و پیام‌های پنهان آثار هنری از جوانب مختلف برایشان وجود خواهد داشت. به عبارت دیگر هدف‌های برنامه‌های درسی هنری باید مسؤولیت ایجاد یا بکارگیری و تولید اثر هنری را به عهده دانشجویان بگذارند.

۳- پرورش مهارت‌های تفکر؛ استقرایی، قیاسی، حل مسأله و انتقادی

دانشجویان: این شاخص نوآوری هدف‌های برنامه‌های درسی دانشگاه‌های هنر نیز توسط ۱۳ نفر از مصاحبه شونده‌گان مورد تأکید و توجه قرار گرفت. به زعم مصاحبه

شوندگان، یکی از شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنری، پرسش و پاسخ در کلاس درس، تحریک تفکر، تقویت قدرت استدلال، ارزیابی وقضاوت، استفاده از تجارب و دانش گذشته، تشخیص توانائی‌ها و علائق هنرجویان و ایجاد اعتماد به نفس در آنها است. متخصصان برنامه‌های درسی به طور عام و متخصصان آموزش هنر به طور خاص، باید مهارت‌های تفکر را در کنش‌های مختلف هنرجویان تقویت نمایند، اما هنرجویان در دانشگاه می‌آموزند که از پرسش‌های خود صرف نظر کنند و بدنبال پرسش‌ها و پاسخ‌هایی باشند که اساتید به آن علاقه نشان می‌دهند، چنین روشی هنرجویان را به مثابه یکی از سرمایه‌های فکری تسهیل کننده اقتصاد و کارآفرینی را به رکود فکری می‌کشانند (مصاحبه شونده ۱۴، ۱۵، ۱). به زعم مصاحبه شونده شماره ۱۰، « اگر تفکر هنرجو رها شود دچار سوگیری، تباهی، غرض ورزی و قضاوت نا آگاهانه و تبعیض آمیز می‌شود. کیفیت زندگی شان و آنچه که ارائه یا تولید می‌کنند، وابستگی شدیدی به شیوه اندیشیدن دارد، بی توجهی به رشد مهارت‌های تفکر در قالب‌های مختلف در تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی هنری در هر دو بعد اقتصادی و کیفی زندگی باعث خسارت می‌شود. «منظور از شاخص توجه به مهارت‌های تفکر در تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی هنری به حرکت درآوردن بیشتر ظرفیت‌های ذهنی یادگیرنده به عنوان یک پژوهش‌گر و تولید کننده اثر هنری است، نه تقلید کننده صرف تولیدات و دانش‌های دیگران.

۴- تربیت دانشجویانی با تسلط بر مبناهای نظری (الگوها، بعدها، مولفه‌ها)

زیبایی شناسی : این شاخص نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنری است که توسط ۱۱ نفر از مصاحبه شوندگان مورد تأکید و توجه قرار گرفت. به نظر مصاحبه شوندگان، تأکید بر تسلط دانشجویان بر مبناهای نظری زیبایی شناختی آموزش‌های هنری در تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی به عنوان یک بعد فراموش شده برنامه درسی هنری، منجر بر تسهیل، پرورش سواد هنری در هنرجویان، قادر ساختن هنرجویان به بیان ادراکات و احساسات و... از طریق یکی از رسانه‌ها یا وسایل مختلف، توانا ساختن هنرجویان در انتقال تجربه‌ی انسانی از طریق بیان هنری و معنا بخشیدن و تفسیر بیان خلاق خود و دیگران خواهد شد (نظر مصاحبه شونده ۱۰، ۱۱، ۱۵). به زعم مصاحبه شونده ۱۶، «باید کلیت سیستم برنامه درسی هنری فعلی بازنگری و اصلاح شود چون شرایط و آموزه‌هایی که در حال حاضر برای تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی هنری گذاشته شده به اندازه کافی جدی و واقع بینانه نیست اگر بخواهیم یک نوآوری برنامه‌های

تبیین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...

درسی برای هدف‌ها طراحی کنیم باید آن را طوری طراحی کنیم که هدف‌ها بیشتر بیانگر خصیصه‌های کیفی رشته‌های هنری چون خصیصه‌های زیبایی شناسی باشند نه کمی.»

۵- پرورش روحیه پژوهش‌گری و اکتشاف هنری در دانشجویان: تعداد ۱۱

نفر از مصاحبه‌شوندگان صریحاً به این شاخص نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنری اشاره و بر آن تأکید نموده‌اند. آنان معتقدند که توجه به پرورش روحیه پژوهش‌گری و اکتشاف هنری و کاربرد آن در تدوین هدف‌های برنامه‌ریزی درسی هنری، یک الزامات بین‌المللی ساختن و نوآوری برنامه‌های درسی در دانشگاه‌های هنر است (مصاحبه‌شونده، ۳، ۶ و ۱۱). به نظر آنان در سیستم آموزشی دانشگاه هنر، هنرجو خود باید ستون و مبنای پژوهش‌ها باشد و بیشتر به سمت پژوهش پیش‌رفته و این روش باید در سیستم دانشگاه هنر و در هدف‌های برنامه‌های درسی هنری نهادینه شود. در واقع پژوهش باید به عنوان یک رکن اساسی و اصلی در این سیستم در نظر گرفته شود، چون این نوع از پژوهش‌های تجربه‌ای و موقعیتی و موردی برای گره‌گشایی مسائل و مشکلات، رشد درک و آگاهی هنرجویان در کلاس درس بسیار مفید می‌باشند (مصاحبه‌شونده، ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۹، ۱۴ و ۱۸). از نظر مصاحبه‌شونده ۱۱ «آشنایی با شیوه‌های تحقیق به خصوص شیوه‌های تحقیق کیفی، متن پژوهی و کاوش‌گری (زبان جستجو) آثار هنری و هنر در بین هنرجویان شاخصی است که باید مورد توجه بیشتر قرار بگیرد.» بر طبق دیدگاه مصاحبه‌شونده شماره ۱۸، «در واقع با تأکید بر بسط روحیه پژوهش‌گری هنر در بین هنرجویان در فرایند تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی با یک تیر دو نشان زده می‌شود، هم روش‌های نوین تدریس (پژوهش محور) اجرا می‌گردد و هم در جهت ارتقاء مهارت‌های پژوهشی در هنرجویان گام مثبت طی می‌شود.»

۶- بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و دانش نوین در زمینه تحلیل آثار هنری به

منظور تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی هنری: تعداد ۱۰ نفر از مصاحبه‌شوندگان صریحاً به این شاخص نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنری اشاره نموده و معتقدند تحلیل و بررسی آثار هنری، اغلب در حیطه‌ی نقد هنری مورد توجه منتقدان یا پژوهندگان آثار هنری است. در این بررسی‌ها، معمولاً درباره‌ی سبک یا دیگر موضوعات متنوع مربوط به یک اثر هنری، سخن به میان می‌آید و ارزش‌های نهفته در آن

اثر بررسی می‌شود. شیوه‌ای که اساتید هنر برای بررسی و تحلیل اثر هنری انتخاب می‌کند، بسیار اهمیت دارد. اگر مباحث طرح شده در تحلیل اثر، موضوعاتی عینی و ملموس باشد، بر جذابیت تحلیل افزوده می‌شود و هنرجویان، راحت‌تر و بهتر آن را درک می‌کنند. طرح پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی موضوع آموزش در اثر و آثار مشابه نیز با دادن مصداق و مثال، در روند آموزش تأثیر مثبتی دارند و نتیجه‌ای بهتر از مباحث کلی نظری صرف در بر خواهد داشت. استفاده از تصویر اثر هنری به تعداد مناسب یا مینا قرار دادن یک نمونه‌ی چاپ شده از هنری در کتاب‌های درسی هنر می‌تواند بر نتیجه‌ی آموزشی این روش تأثیر خوبی بگذارد. بررسی جزئیات یا کلیت اثر، استفاده از عبارت و اصطلاحات دقیق و روشن و پرهیز از عبارات و اصطلاحات دو پهلو و غیردقیق و گنگ، می‌تواند به فهم مطلب در نزد هنرجویان، کمک شایانی کند (مصاحبه شونده ۸، ۱۱، ۱۲، ۱۹، ۱۴، و ۱۸). به زعم مصاحبه شونده شماره ۵، «تناسب هدف‌های برنامه‌های درسی هنر با دانش روز در زمینه دیدگاه‌ها و رویکردهای معاصر تحلیل آثار هنری شاخص دیگری است که در هنگام تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی مورد توجه قرار گیرد.» یکی از مکانیسم‌های تحقق نوآوری برنامه‌های درسی هدف‌های برنامه‌های درسی است و هنگام تدوین هدف‌ها باید نیازهای جامعه را ملاک قرار داد، صاحب نظر آموزش هنر در این زمینه بیان نموده است: قاعدتاً یکی از مواردی که در تحقق نوآوری برنامه‌های درسی هنری دوره تحصیلات تکمیلی موثر است متناسب بودن هدف‌ها با نیازهای جامعه است بنابراین به منظور نوآوری برنامه‌های درسی در عنصر هدف، متخصصان و اساتید هم باید نیم‌نگاهی به آینده جامعه داشته باشند (مصاحبه شونده شماره ۱۵، ۲، ۱).

۷- طراحی و تدوین هدف‌های برنامه درسی هنر براساس رویکرد تلفیق هنر

و دیسیپلین‌ها: تعداد ۱۰ نفر از مصاحبه شوندگان صریحاً به این نوآوری اشاره نموده و به زعم مصاحبه شونده شماره ۷، «با توجه به تحولات سریع در عصر جهانی شدن و پیچیدگی مسائل داخلی و بین‌المللی، شناخت آنها با یک رویکرد و رشته دانشگاهی ممکن نیست.» محصور ماندن اساتید، پژوهش‌گران و دانش‌پژوهان در مرزهای غیر منعطف رشته‌ای، نه تنها مانعی جدی بر سر راه نوآوری و خلاقیت است، بلکه نمی‌تواند جواب‌گوی مسائل و مشکلات بسیار پیچیده دنیای جهانی شده باشد و این موضوع در بافت رشته‌های هنری که از یک جهت در مقاطع مختلف آموزشی به خصوص دانشگاه مورد

تبیین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...

غفلت قرار گرفتند و از سویی دیگر با توجه به رشد و ضرورت جهت گیری های بین رشته ای در برنامه های درسی معاصر، یک نوآوری پیش فرض و پیش نیاز محسوب می شود. براین اساس، مصاحبه شونده شماره ۱۰ معتقد است که «رویکرد میان رشته ای در تدوین هدف های برنامه های درسی به خصوص برنامه های درسی هنری می تواند با گشودن چشم اندازه های جدید به روی دانشجویان رشته های هنری و سایر رشته ها، آنان را از تعصبات انعطاف ناپذیر و نگرش های تک بعدی به قضایا و مسائل بر حذر دارد و آنان را به تأمل و تدبر بیشتر و جامع تر در مطالعات خود رهنمون کند و این تک بعدی های جامعه در نگاه به رشته های مختلف کمرنگ تر شود.» مصاحبه شونده شماره ۱۲ معتقد است که «هدف مطالعات میان رشته ای در واقع، بر طرف کردن بیگانگی میان علوم مختلف و آشتی دادن آنها برای روشن گری بهتر و فهم دقیق تر پدیده های طبیعی و اجتماعی است و کاربست این رویکرد در تدوین هدف های برنامه های درسی هنری به شدت احساس می شود.» «درواقع رویکرد میان رشته ای در تدوین هدف های برنامه های درسی هنری دارای چند مزیت می باشد؛ به چالش کشیدن اندیشه های پذیرفته شده هنری، درکی انتقادی از آثار هنری با چشم اندازی روشن تر، شناخت بهتری از فعالیت های علمی سایر رشته ها و شناخت بهتر از دیگر رشته ها و راه اندازی رشته های جدیدی» (مصاحبه شونده ۷).

سوال دوم: میزان کاربست شاخص های نوآوری در هدف های برنامه درسی در

دانشگاه هنر اصفهان تا چه حدی است؟

جدول ۲: مقایسه میانگین میزان کاربست شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی دانشگاه

هنر اصفهان با میانگین فرضی ۳

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	انحراف از میانگین	t	درجه آزادی	سطح معناداری
نوآوری در هدف های برنامه های درسی هنری	۳/۱۵	۰/۵۷	۰/۰۳۴	۴/۵۴	۲۸۴	۰/۰۰۰

بر اساس یافته های جدول ۲ میانگین میزان کاربست شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی هنر ۴/۵۴ می باشد. از آنجایی که t محاسبه شده از t جدول بزرگتر است. بنابراین میزان کاربست شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی رشته های هنری در دانشگاه هنر اصفهان، بیشتر از حد متوسط می باشد.

سوال سوم: بین میزان کاربست شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه درسی دانشگاه هنر اصفهان بر حسب مؤلفه‌های دموگرافیک (جنسیت، دانشکده و مقطع) تفاوت معنادار وجود دارد؟

جدول ۳: تحلیل واریانس چند راهه نمرات میزان کاربست شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنری در دانشگاه هنر اصفهان با توجه به متغیرهای دموگرافیک (جنس، میزان تحصیلات، دانشکده)

منبع	متغیرها	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری
جنس	شاخص‌های نوآوری در هدف	۱/۷۹۴	۱	۱/۷۹۴	۵/۵۲۳	۰/۰۱۹
میزان تحصیلات	شاخص‌های نوآوری در هدف	۰/۸۵۷	۱	۰/۸۵۷	۲/۶۱۲	۰/۱۰۷
دانشکده	شاخص‌های نوآوری در هدف	۱۰/۲۱۹	۵	۲/۰۴۴	۶/۸۳۴	۰/۰۰۰

چنانکه در جدول ۳ نشان داده شده است، بین گروه‌های دو گانه جنسیت زن و مرد، در متغیر میزان کاربست شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه درسی هنری تفاوت معنادار وجود دارد ($\alpha < 0/05$) و همچنین بین میانگین دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه هنر اصفهان در راستای میزان کاربست شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی بر حسب مقطع تحصیلی تفاوت معنادار وجود ندارد. بین نمرات میزان کاربست شاخص‌های نوآوری برنامه‌های درسی هنری در زمینه «هدف» بر حسب متغیر دانشکده تفاوت معنی داری وجود دارد. نتایج آزمون تعقیبی نشان داده است که بین نظرات دانشجویان حفاظت و معماری با هنرهای تجسمی، معماری و شهرسازی با هنرهای تجسمی، هنرهای تجسمی با صنایع دستی، هنرهای تجسمی با کارآفرینی هنر تفاوت وجود دارد. بدین معنا که دانشجویان دانشکده‌های هنرهای تجسمی و هنر ادیان به میزان بیشتری بر این باورند که شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی دانشگاه هنر به کار بسته می‌شود و دانشجویان، دانشکده

تبین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...

دانشکده های حفاظت و مرمت، معماری و شهرسازی، صنایع دستی و کارآفرینی هنر به میزان کمتری بر این باور می باشند که شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی دانشگاه هنر اصفهان به کار بسته می شود.

بحث و نتیجه گیری:

برنامه های درسی رشته های هنری با توجه به ماهیت چندگانه و انعطاف پذیر شان در سایر حوزه های یادگیری نیز نقش تسهیل کننده ای دارند ولی با این اوصاف آموزش هنر و برنامه های درسی هنر مورد بی توجهی واقع شده است. اگر مسئولان و متخصصان برنامه درسی و آموزش هنر می خواهند که افراد آینده جامعه مان، افرادی مفید برای جامعه باشند و آموزش عالی نیز با موفقیت و وظیفه خود را انجام دهد، توجه به برنامه های درسی هنری و شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی هنر به منزله یک ضرورتی انکار ناپذیر در مسائل علوم تربیتی و آموزش و پرورش قلمداد می شود. نوآوری در هدف های برنامه های درسی دانشگاه ها موجب می شود که اساتید رویه هایی اتخاذ کنند که به یاری آنها دانشجویان قابلیت های چگونه آموختن را به روش انتظام فکری نوآورانه بیاموزند؛ زیرا معرفت در فرایند اندیشه منظم و پویا رشد می یابد و محیط های آموزشی و روش های حاکم بر آنها در تحقق یافتن این هدف ها نقش اساسی دارند و هنرجویان می آموزند که به جای ذخیره سازی حقایق، با مسائلی که در زندگی روزمره با آنها مواجه می شوند، با رویکردی ساختارگرایانه درگیر شوند.

از آنجایی که، آموزش هنر، بخش مهمی از نظام آموزش عالی است که با روح زیبایی شناختی انسان ها سروکار دارد و سال ها در عرصه های مختلف به خصوص آموزش عالی مورد بی مهری قرار گرفته است، لذا توجه به کیفیت آن از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد که در پژوهش لی^۱ (۲۰۱۱) مورد تاکید قرار گرفته است. نوآوری در حوزه مفهوم تولید و تربیت هنری می تواند یکی از پیش فرض های اساسی تحقق نوآوری آموزشی رشته های هنری باشد همانگونه که مک گویر و همکاران^۲ (۲۰۱۳) در پژوهش شان نشان می دهند که درک مفهوم گام های چندگانه در آموزش هنر منجر به

¹ - Liu

² - Maguire, C., Mishook, J., Garcia, I., & de Gaillande

ارائه تبیین‌های بازتر و نوآورتر از آموزش هنر و در نتیجه تدارک فرصت‌های یادگیری هنرمندانه خواهد بود.

جدول ۱ مهم‌ترین شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنری را از دید اعضای هیات علمی و صاحب‌نظران آموزش هنر در عرصه ملی و بین‌المللی ارائه نمود که عبارت بودند از: - رویکردی اسلامی به هدف‌های برنامه‌های درسی هنری، توجه به خود راهبری در تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی هنری، پرورش مهارت‌های تفکر؛ استقرایی، قیاسی، حل مسأله و انتقادی دانشجویان، تربیت دانشجویانی با تسلط بر مباحث نظری (الگوها، بعدها، مولفه‌ها) زیبایی‌شناسی، پرورش روحیه پژوهش‌گری و اکتشاف هنری در دانشجویان، بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و دانش نوین در زمینه تحلیل آثار هنری به منظور تدوین هدف‌های برنامه‌های درسی هنری و طراحی و تدوین هدف‌های برنامه درسی هنر براساس رویکرد تلفیق هنر و دیسپلین‌ها.

بر اساس میزان کاربردی شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی رشته‌های هنری در دانشگاه هنر اصفهان، بیشتر از حد متوسط می‌باشد و بین گروه‌های دو گانه جنسیت زن و مرد، در متغیر میزان کاربردی شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنری تفاوت معنادار وجود دارد. یافته‌های پژوهش حاضر دربرگیرنده نکات بسیار مهمی بود که نشان دهنده دقت اساتید به شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی هنری است. آنان هدف‌های برنامه‌های درسی خود را از جنبه‌های مختلف مورد بحث قرار دادند که توجه آنان به این موارد بسیار جالب بود

در کل صاحب‌نظران نشان دادند که توجه به ملاک‌ها و الزامات آموزه‌های اسلامی به طور عام و آموزه‌های هنر اسلامی به طور خاص، زمینه‌بازنگری و به روزرسانی برنامه‌های درسی هنری را با توجه به ملاک‌های بومی سازی تسهیل و عملی می‌سازد و با این شاخص برنامه‌های درسی به مثابه مکانیسمی فرهنگی اجتماعی عمل می‌کنند و اما از دیگر شاخص‌های مورد نظر صاحب‌نظران خودراهبری و محوریت این مؤلفه در عرصه برنامه‌ریزی درسی به خصوص عنصر هدف می‌باشد در واقع یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که می‌تواند افراد- به خصوص هنرجویان- را کمک و هم‌یاری نماید، خودراهبری است و این فرایند هدف‌مدار در تولید و تربیت هنری اهمیت می‌مضاعف دارد. درواقع توجه به خودراهبری در تدوین هدف‌های برنامه‌ریزی درسی هنر به هنرجویان

تبیین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...

اجازه می دهد تا به تنظیم و هدایت خود یا زندگی تحصیلی، شخصی و حرفه ای شان ان به واسطه یادگیری راهبردهای رفتاری، انگیزشی و زیبایی شناختی بپردازند و مواردی چون خودپرورشی، مدیریت زمان، مهارت های ارتباطی، مدیریت اسناد، برنامه ریزی رشد حرفه ای و حفظ سلامت جسمی و روانی را پرورش می دهد.

از دیگر شاخص های اساسی و مهم نوآوری در هدف های برنامه ریزی درسی رشته های هنری محوریت قرار گرفتن مهارت های تفکر می باشد با توجه به ماهیت رشته هنری که صریحاً با تفسیر، نقد و تحلیل هنرمند سر و کار دارد، می توان گفت توجه به این شاخص بیش از هر رشته دیگر حائز اهمیت می باشد در واقع توجه به مهارت های تفکر در عرصه تدوین هدف به هنرجویان کمک می کند که همه مسائل عینی و ذهنی را با دیدی سنجش گرایانه و فرایندی بنگرند و در واقع مهارت های تفکر ابزاری قدرتمند در اختیار هنرجویان قرار می دهند تا در جستجوی دانش بوده و با عقاید فریب کار و گمراه کننده مقابله کنند و همه مسائل را با دید زمینه ای و تفسیری بنگرند و در اصل به فراگیر می آموزد تا خودش بیاموزد و فکر کند و استاد صرفاً نقشی تسهیل کننده داشته باشد.

یکی دیگر از شاخص های نوآوری در عرصه هدف های برنامه ریزی درسی هنر تسلط بر چشم انداز زیبایی شناسی است در واقع آنها معتقد بودند که زیبایی دارای معانی و مفاهیم متفاوت و متنوعی است ولی با شناخت مولفه های تشکیل دهنده آن وجود هنر و مهارت های خلاقانه در مسیر نوآوری هدف های برنامه های هنر بسیار حائز اهمیت بوده و وجود تعامل و تعادل در بهره گیری از بعدها و مبانی زیبایی شناسی می تواند هنرجو و محیط یادگیری را دلپذیر و احساسات پاک و جایگاه والای انسانی را از حاشیه به متن اصلی آورده و به سمت کمال مطلوب راهنمایی نماید.

شاخص آخری که توسط صاحب نظران مورد اشاره قرار گرفت توجه به رویکردهای تلفیقی و بین رشته ای در تدوین هدف های برنامه های درسی هنری می باشد در واقع هدف اصلی رویکرد بین رشته ای، بازنگری و اصلاح رشته های هنری و به کارگیری بهینه از ظرفیت ها و جهت گیری های محتوایی و روشی رشته های مختلف در طراحی و تدوین برنامه های آموزشی و درسی هنری می باشد و از سویی دیگر گستردگی و چند وجهی بودن مسائل هنری، موضوعات و پدیده های گوناگون انسانی، اجتماعی، فرهنگی، طبیعی، فیزیکی و فنی و پیچیدگی روابط و مناسبات میان عناصر مختلف

تولید دانش هنری را می توان یکی از انگیزه های اصلی گرایش به میان رشته ای و ایجاد و بسط تحقیقات و پژوهش های میان رشته ای در این رشته ها دانست. بنابراین، کاربست رویکرد تلفیقی فرصت و امکان تحقق و تجلی گفتمان های جدید را فراهم می- آورد.

از دیدگاه اساتید توجه به مهارت های تفکر، فراشناخت و شناخت، بعدهای مختلف عاطفی و زیبایی شناختی برنامه درسی هنر؛ اهمیت بسیاری دارد و تنها در این شرایط است که اساتید می تواند هدف های جامع و نوآوری را تدوین کنند. کی^۱ (۲۰۱۳) نشان داد که زمینه و دانش پایه هنری استاد در عملکرد عرصه برنامه ریزی درسی وی مؤثر است و دانشجویان به عنوان افرادی که تحت آموزش قرار می گیرند، می بایستی نقش فعالی در تدوین و تحقق هدف های برنامه های درسی خود داشته باشند. این امر در صورتی که به درستی انجام گردد موجب می شود که در جریان انتظاراتی که از آنان وجود دارد، قرار گرفته و نقاط قدرت و ضعف خود را بهتر بشناسند، به گونه ای که در پژوهش حاضر نیز به عنوان یکی از شاخص های نوآوری در هدف تحت عنوان توجه به مهارت های تفکر و خود راهبری مطرح شده است. بلار و همکاران^۲ (۲۰۰۱) نشان دادند یکی از روش هایی که برای آموزش و تعیین دانش و مهارت استفاده می گردد توجه به روش های آموزشی خودراهبر محور از جمله خود ارزیابی است، زیرا یادگیرنده منبعی مناسب برای یادگیری و فرایند تربیت هنری درباره خود اوست و به جز او هیچ کسی دیدگاه واضحی از وی ندارد و نمی تواند فرایند یادگیری را هدایت کند.

اساتید رشته های مختلف به خصوص رشته های هنری در صورتی که نقش خود را به درستی انجام دهند، و هدف های جامع و انعطاف پذیری را تدوین کنند، می توانند انتظارات صحیحی را در آموزش و ارزشیابی دانشجویان داشته باشند. البته این امر میسر نخواهد بود مگر زمانی که آنان با چگونگی کار با دانشجویان به طور عام و هنرجویان به طور خاص آشنایی داشته باشند. این امر توسط اساتید و صاحب نظران پژوهش حاضر مورد اشاره قرار گرفته است. آنان معتقد بودند که اساتید باید از اهداف، شرح وظایف هنرجویان و خصیصه های رشته های هنری و روش های نوین آموزشی در عرصه هنری

^۱ - Kay

^۲ - Belar, Brown, Hersch

تبیین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...

مطلع و از آمادگی مناسب برخوردار باشند. این امر توسط نویسندگان و صاحب نظران مورد اشاره قرار گرفته است، برخی نویسندگان توصیه می کنند که اساتید جهت انجام نقش خود در آموزش دانشجویان و اجرای نوآوریهای آموزشی باید منابع و آموزش کافی و مناسب را در اختیار داشته باشند (لیلیبریج^۱، ۲۰۰۷). نوان و همکاران^۲ (۲۰۱۲) نیز نشان دادند که برنامه ریزی درسی هنر توسط تخصص های مختلف و تجارب مختلف علمی و هنری، در عملکرد و نگرش اساتید و دانشجویان بسیار موثر می باشد و هنر را به مثابه یک پروژه حرفه ای چندگانه به تصویر می کشد. خودراهبری در آموزش فراگیران بسیار مهم است. شواهد نشان می دهد، افرادی که ابتکار عمل یادگیری خود را به دست می گیرند (یادگیرندگان فعال) در قیاس با کسانی که به شکل منفعل در کلاس حاضر شده و آموزش ها را دریافت می نمایند (یادگیرندگان منفعل) چیزهای بیشتری را یاد گرفته و یادگیری بهتری را کسب می نمایند. آنان با هدف مندی و انگیزه بالاتری پای به قلمرو یادگیری می گذارند و در قیاس با یادگیرندگان منفعل از آموخته های خود بهتر و بیشتر بهره می گیرند (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴) که به منزله یک شاخص مهم در پژوهش حاضر مورد تاکید واقع شده است. کیفیت برنامه های درسی متأثر از عوامل گوناگونی از جمله هدف های برنامه های درسی، روش های به کار گرفته شده و وجود بازخورد مناسب و به موقع می باشد. مشارکت کنندگان در پژوهش حاضر با دقت نظر شاخص های نوآوری در هدف را مورد بحث قرار دادند. آنها به نوآوری های پیامدی و فرایندی اشاره کردند، بنابراین، توجه به نوآوری های آموزشی باید در راستای هدف های برنامه های درسی و رعایت اصل شفاف سازی باشد زیرا نامشخص بودن چگونگی برنامه ریزی درسی نیز از دیگر موضوعات بحث انگیز بین دانشجویان می باشد مک کاجان به نقل از پریست و رابرتز بر اهمیت شفاف سازی عنصرهای برنامه های درسی در بررسی چگونگی دست یابی دانشجویان به اهداف کارآموزی تأکید می نماید (۲۰۱۰). از یافته های پژوهش حاضر می توان اینگونه استنباط نمود که محرک اصلی اجرای برنامه درسی؛ اساتید برنامه های درسی هستند که از همان نقطه آغاز می توانند در عین رعایت خط مشی ها و چارچوب های کلی برنامه های درسی در قالب رویکرد متمرکز، به

¹ - Lillibridge

² - Nevanen, S., Juvonen, A., & Ruismäki

همان موازات نیز به محیط و فراگیران توجه نموده و تعدیل ها و نوآوری‌های مناسبی را اعمال نمایند و هدف‌های برنامه‌های درسی را (که یکی از عناصر اصلی و جهت دهنده برنامه‌های درسی می‌باشند) را با توجه به شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی تدوین کنند، با این اوصاف، آموزش فراگیر محور و دانش پژوه محور را از جز اصلی و جهت دهنده برنامه‌های درسی (هدف‌های برنامه درسی) آغاز می نمایند و موجب خواهد شد که برنامه درسی در نزد فراگیران رضایت بخش شود و توانمندی‌های فراگیران هنرجویان در زمینه‌های مختلف پرورش می‌یابد.

از جمله نکات مورد تاکید در آموزش هنر، چگونگی ارتباط و رفتار افراد حاضر در هنرآموزی، ضرورت توجه به اعتماد به نفس و شرایط دانشجو و لزوم حمایت و تشویق وی در بعدهای زیبایی شناختی و مهارت‌های مختلف به طور متوازن و تأثیر آنها بر فراگیری و ارزشیابی دانشجو، می باشد که به طور مکرر طی پژوهش توسط اساتید و صاحب‌نظران مورد اشاره قرار گرفتند، لی و همکاران می نویسند؛ ارتباط خوب با دانشجویان و توجه به بعدهای مختلف شناختی و زیبایی شناختی از مهم‌ترین خصوصیت یک استاد می‌باشد (لی و همکاران، ۲۰۰۲). یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان داده است که درک و شناخت بعدهای مختلف زیبایی شناسی و رفتاری و برقراری ارتباط مناسب بین هنرجویان و اساتید در طی آموزش بر عملکرد دانشجویان و اساتید تأثیر دارد.

اصل کلام اینکه با توجه به فرصت فراهم شده برای تبیین و شناسایی شاخص‌های نوآوری در هدف‌های برنامه‌های درسی رشته‌های هنری دانشگاه‌ها باید در جهت بسط و تعمیق آموزه‌های نوآوری در برنامه‌های درسی هنری به خصوص عنصر هدف که معمولاً مورد توجه کمتری واقع شده است، گام‌های اساسی بردارند. با توجه به اهمیت نوآوری برنامه‌های درسی هنر و تحقق نوآوری در هدف‌های آموزش عالی هنری برای بهبود روند فرایند نوآوری و تدوین برنامه‌های درسی هنر پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود؛

¹ - Lee WS, Cholowski K, Williams AK

تبیین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...

- ۱- تغییر نگرش و باورهای مسئولان و دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی [اعم از حوزه ستادی و دانشگاه‌ها] در راستای مفهوم و جایگاه نوآوری های برنامه‌های درسی، برنامه های درسی هنری و چگونگی تفویض اختیارات برنامه‌ریزی درسی؛
- ۲- به کارگماری متخصصان برنامه های درسی هنری و برنامه های درسی در ساختار دانشگاه‌های هنری کشور؛
- ۳- توجه به افزایش توانمندی‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای اعضای هیأت علمی در عرصه شاخص‌های نوآوری برنامه‌های درسی هنر به عنوان یک سیاست راهبردی به منظور تدارک زمینه مشارکت آنها در فرایند نوآوری و تدوین هدف‌های نوآورانه برنامه‌های درسی و توجه به این مهارت‌ها به منزله ملاکی برای ارتقاء علمی در مسیر کارراه حرفه ای‌شان؛
- ۴- برگزاری مداوم کارگاه‌های دانش افزایی در زمینه نوآوری برنامه‌های درسی توسط متخصصان آموزش هنر و برنامه‌های درسی؛
- ۵- به کارگماری متخصصان برنامه‌ریزی درسی و آموزش هنر در دانشگاه‌های هنر به منظور تسهیل تدوین و نوآوری برنامه‌های درسی هنر؛
- ۶- ایجاد فضایی مناسب به منظور شناسایی و تاکید بر جایگاه رشته‌های هنری در سطوح مختلف آموزشی و اجتماعی .

منابع

- آزاد، ناصر، وارشدی، ایمان. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی بر حمایت از نوآوری (مورد کاوی شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران). **بررسی‌های بازرگانی**، ۳۶: ۲۶-۳۸.

- آیت الهی، حبیب الله، پورضائیان، مهدی، هوشیار، مهدی. (۱۳۹۱). تبیین ویژگیهای هویتی آموزش عالی هنر با تاکید بر متغیرهای فرهنگی در ایران امروز. **نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی**، شماره ۵۰، صص ۵-۱۴.
- شرفی، حسن. (۱۳۹۰). امکان کاربرد رویکرد تلفیق تولید هنری و مفاهیم علوم تجربی در آموزش هنر. **فصل نامه نوآوری های آموزشی**، شماره ۳۹، صص ۱۱۹-۱۵۰.
- شرفی، حسن (۱۳۸۵). ارزیابی فعالیت ها و محتوای کتاب های درسی هنر دوره راهنمایی از دیدگاه دبیران هنر و دانش آموزان. **دو فصل نامه جلوه، هنر دانشگاه الزهرا (س)**، شماره ۶.
- شرفی، حسن (۱۳۸۸). نیازهای آموزشی معلمان، دانش آموزان، برنامه ریزان درسی و برنامه های درسی هنر ابتدایی. **دو فصل نامه جلو هنر دانشگاه الزهرا (س)**، شماره ۱، صص ۷۳-۸۶.
- شرفی، حسن (۱۳۹۰). تبیین مفهوم تولید هنری در آموزش هنر با تاکید بر تربیت هنری در نهاد آموزش و پرورش، پژوهش نامه هنرهای دیداری، شماره اول، ۱۲ صفحه (از ۶۷ تا ۷۸).
- شرفی، حسن (۱۳۹۱). طراحی و تدوین الگوی ارزشیابی اثر هنری دانش آموزان در دوره های ابتدایی و متوسطه با تاکید بر هنر نقاشی در حوزه هنرهای تجسمی. طرح پژوهی گروه پژوهشی علوم انسانی (حوزه آموزش هنر) متناسب با اولویت شماره ۲۲۷ پژوهشکده برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی.
- شرفی، حسن، سلسبیلی، نادر. (۱۳۹۳). اثرگذاری فرصت های یادگیری، در تعامل نظریه و عمل برنامه درسی و آموزش هنر. **فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات**، سال یازدهم، شماره ۱۱، ۷۲-۹۶.
- شریفیان، فریدون؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم؛ شریف، مصطفی؛ موسی پور، نعمت اله. (۱۳۹۲). دیدگاه متخصصان برنامه درسی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی درباره چگونگی مشارکت دانشجویان این دوره در برنامه ریزی درسی. **فصلنامه رویکردهای نوین آموزشی**، ۸ (۱، پیاپی ۱۷): ۸۸-۴۷.

تبیین شاخص های نوآوری در هدف های برنامه های درسی...

- علیاری، شهلا؛ ملکی، حسن؛ بازارگادی، مهرنوش؛ عباسپور، عباس. (۱۳۹۱). تدوین و استانداردسازی شاخص های ارزشیابی کیفیت و اعتبارسنجی برنامه درسی دوره کارشناسی پیوسته رشته پرستاری دانشگاه های علوم پزشکی کشور. **مجله پژوهش علوم سلامت و نظامی**، سال دهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۷). صص ۵۰-۶۱.
- فتحی و اجارگاه، کوروش. نورزاده، داریوش. (۱۳۸۷). **درآمدی بر برنامه ریزی درسی دانشگاهی**. انتشارات مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی. تهران.
- قدمی، مجید. (۱۳۹۲). آموزش طراحی محور و نقش آن در موفقیت های علمی هنرجویان معماری. **دو فصلنامه نقش جهان**، سال سوم، شماره ۴: ۶۷-۷۸.
- کیان، مرجان، مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۲). شناسایی وجوه و ابعاد مغفول برنامه درسی هنر دوره ابتدایی. **دو فصلنامه پژوهش های آموزش و یادگیری**، سال بیستم، شماره ۳: ۱-۱۸.
- کاظمی، حسین، میردامادی، سید مهدی، امیدی نجف آبادی، مریم. (۱۳۹۲). تاثیر هدف های موفقیت و محیط یادگیری بر میزان آمادگی یادگیری خودراهبر دانشجویان دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی. **فصل نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی**، شماره ۲۷، صص ۳-۲۷.
- کرمی، مرتضی. (۱۳۹۲). طراحی و سنجش تاثیر محیط های یادگیری سازنده گرا بر رضایت، نگرش و یادگیری در آموزش عالی. **فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران**، سال ۵، شماره ۲، ۲۳-۵۰.
- گال، مردیت، بورگ، والتر و گال، جویس. (۱۳۸۲). **روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی**، جلد اول، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران. تهران: سمت. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۴۲).
- مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۳). **آموزش عمومی هنر (چیستی، چرایی و چگونگی)** تهران: انتشارات مدرسه.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۶). **بازاندیشی فرآیند یاددهی - یادگیری در تربیت معلم**. تهران: انتشارات مدرسه.

- مهرمحمدی، محمود.(۱۳۸۳). آموزش عمومی هنر :چیستی، چرایی، چگونگی. تهران: انتشارات مدرسه.
- نصر، احمد رضا، اعتمادی زاده، هدایت ا... و نیلی محمدرضا (۱۳۹۰). رویکردهای نظری و عملی تدوین برنامه های درسی در آموزش عالی. تهران: سازمان سمت و دانشگاه اصفهان.
- نیلی، محمدرضا، موسوی، ستاره، نصر، احمدرضا، مسعود، محمد.(۱۳۹۳). بررسی میزان آگاهی اعضای هیئت علمی گروههای فنی و مهندسی دانشگاههای اصفهان و صنعتی اصفهان از مؤلفه‌های اساسی نوآوری برنامه‌ریزی درسی و میزان کاربرد آنها. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، سال شانزدهم، شماره ۶۴، صص. ۱۹-۳۰.
- Abaci, O. (2013). Concept education by art education and an investigation on the opinions of teacher candidates about the different concept. *Procedia -Social and Behavioral Sciences*,106(2013)690-695.
- Aesaert, K • Vanderlinde, R• Tondeur, J • van Braak, J. (2013). The content of educational technology curricula: a cross-curricular state of the art. *Education Tech Research Dev* (2013) 61:131–151
- Anderson, J. (2010). Building Capacity of Teachers Faculties in Technology Pedagogy Integration for Improved and Learning, *Asia and Pacific Regional Bureau For Education* ,12(3):95-103.
- Aysel, Y. (2014). As An Approach to Improving Creativity In Design Education; Art Of Painting. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* ,141, pp741 – 747
- Barrasa A. (2010). *Integrating leadership behavior and climate perceptive team work: antecedents, structure, and influence and effectiveness in organization*. Unpublished Doctoral Dissetation. Madrid University.
- Belar C, Brown RA, Hersch LE, Hornyak LM, Rozensky RH, Sheridan EP, et al. (2001). Self-assessment in clinical health psychology: a model for ethical expansion of practice. *Prof Psychol Res Pr*. 32(2):135-41.
- Cheng, M. Y (2009). The effectiveness of innovation education in Malaysia, *Journal of Education + Training* , 7, 51, 555- 556.

- Creswell, J. (2007). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*, Thousand Oaks: Sage.
- Creswell, J., & Plano Clark, V. (2007). *Designing and conducting mixed methods research*, Thousand Oaks: Sage. *Methodology*, 11 (4), 327344.
- Eisner, E.W. (1972). *Educating Artistic Vision*. US: Collier Macmilland Publishers
- Federal Ministry of Economy and Technology (2009). *Gründerzeiten – Informationen zur Existenzgründung und Sicherheit*, 51. [Time to start –information on business start-ups and safeness.] Berlin: BMWi.
- Federal Ministry of Economy and Technology (2009). *Gründerzeiten – Informationen zur Existenzgründung und Sicherheit*, 51. [Time to start –information on business start-ups and safeness.] Berlin: BMWi.
- Filimowicz, M.A. Tzankova, V.K. (2014) Creative making, large lectures, and social media: Breaking with tradition in art and design education. *Arts & Humanities in Higher Education*, 10, PP1-17.
- Gazzaniga, Michael S (2008). "Arts and Cognition: Findings Hint at Relationships", [http://www.dana.org/.../Special_Publications/Learning, %20Arts%20and%20the%20Br a i n _ A r t AndCognition_Cmpl.pdf](http://www.dana.org/.../Special_Publications/Learning,%20Arts%20and%20the%20Brain_ArtAndCognition_Compl.pdf), pp. v-vi. Accessed July 20, 2008. Ronald Reagan, <http://members.aol.com/oldbeeg/ArtEd.html>
- Gee, Constance Bumgarner (2004); *Spirit, Mind and Body: Arts Education the Redeemer*. Edited By By Elliot W. Eisner and Michael D. Day; *Handbook of Research and Policy in Art Education*, National Art Education Association (NAEA) and Lawrence Erlbaum Associates, Publishers (LEA), *Mahwah New Jersey and London*
- Grüner, H. (2012). *Management für Kreativunternehmen*. [Management for creative businesses] In: H. Grüner & E.D. Konrad (Eds.), *Edition Kreativwirtschaft*. [Edition creative industries.] Stuttgart: Kohlhammer.
- Hickman. R (2000). *Art Education* 11-18. London and New York: Continuum.

- Kay, L. (2013). Bead collage: An arts-based research method. *International Journal of Education & the Arts*, 14(3), pp1-22. Retrieved [date] from <http://www.ijea.org/v14n3/>.
- Konrad, E.D. (2010). *Kulturmanagement und Unternehmertum. [Cultural management and entrepreneurship.]* In H. Grüner & E.D. Konrad(Eds.), Edition Kreativwirtschaft. [Edition creative industries.] Stuttgart: Kohlhammer.
- Lee WS, Cholowski K, Williams AK. Nursing student' and clinical educators' perceptions characteristics of effective clinical educators in an Australian university school of nursing. *J Adv Nurs*. 2002; 39(5): 412–20.
- Lenawee ISD. (2006). Authentic Assessments for the classroom. Available in [https://webapps.lisd.us/.../curriculum/.../assessment/Authentic %20 Assessment for %20 the%20 classroom](https://webapps.lisd.us/.../curriculum/.../assessment/Authentic%20Assessment%20for%20the%20classroom). pp
- Lillibridge J. Using clinical nurses as preceptors to teach leadership and management to senior nursing student: A qualitative descriptive study. *Nurse Educ Pract*.2007; 7(1): 44-52.
- Liu, L. B. (2011). Poetry as progress: Balancing standards-based reforms with aesthetic inquiry. *International Journal of Education & the Arts*, 12(12). pp1-12 Retrieved [date] from <http://www.ijea.org/v12n12/>.
- Liu, L. B. (2011). Poetry as progress: Balancing standards-based reforms with aesthetic inquiry. *International Journal of Education & the Arts*, 12(12). pp1-12 Retrieved [date] from <http://www.ijea.org/v12n12/>.
- Maguire, C., Mishook, J., Garcia, I., & de Gaillande, G. (2013). Creating multiple pathways in the Arts: A New York City case study. *International Journal of Education & the Arts*, 14(10), pp1-35 Retrieved [date] from <http://www.ijea.org/v14n10/>.
- Moreno, J.M. (2010). *The dynamics of curriculum design and development: in school knowledge in a comparative and historical perspective*. In: Benavot, A.; Braslavsky, C., eds. Changing curricula in primary and secondary education. Hong Kong: Comparative Education Re-search Centre.Pp 195–209.
- Nevanen, S. Juvonen, A. Ruismäki, H. (2011). Art Education as Multiprofessional Collaboration. *International Journal of Education & the Arts*, Volume 13 Number 1: PP1-22.

- Noy, C. (2008). Sampling knowledge: The hermeneutics of snowball sampling in qualitative research, *International Journal of Social Research* Campbell, A., McNamara, O., & Gilroy, P. (2004). *Practitioner research and professional development in education*, PaulChapman Publishing.
- Oliver, Shawn L. (2008). *Comprehensive curriculum reform as a collaborative effort of faculty and administrators in a higher education institution: A higher a case study based on grounded theory*. published Doctoral Dissertation. Kent State University.
- Onwuegbuzie, A. J., & Leech, N. L. (2007). Sampling designs in qualitative research: Making the sampling process more public, *The Qualitative Report*, 12 (2), 238254.
- Organization for Economic Co-operation and Development. (2014). INNOVATION, GOVERNANCE AND REFORM IN EDUCATION. *Edu/Ceri/CD*,17, pp14-29.
- Papestergiot, M (2008). *Are Computer Science and Information Technology still masculine field? High school students, Perceptions and career choices*, university of Thessaly, Department of Physical Education and Sport Science, Karyes: Computer& Education, 51 ,608-594 Available online at www.sciencedirect.com.
- Pavlou, V., & Athanasiou, G. (2014). An interdisciplinary approach for understanding artworks: The role of music in visual arts education. *International Journal of Education & the Arts*, 15(11), pp1-12. Retrieved from <http://www.ijea.org/v15n11/>.
- Peeco, S. (2009). Acceptation of educational innovation. *Journal of vocational behavior*, 48, 275-300.
- Plano Clark, V., Creswell, J., O'Neil Green, D., & Shope, R. (2008). Mixing quantitative and qualitative approaches: An introduction to emergent mixed methods research, In: S. HesseBiber& P. Leavy. (Eds.). *Handbook of emergent methods*, New York: The GuilfordPress.
- Rajab, T. (2013). Developing whole-class interactive teaching: meeting the training needs of Syrian EFL secondary school teachers. Doctorate of Philosophy in Education, The University of York Department of Education, February 2013.

- Tashakkori A, Teddlie C. (2003) *Handbook of mixed methods in social & behavioral research*. Thousand Oaks, Calif.; London: SAGE Publications.
- The National Art Education Association (2002). www.naea-reston.org
- Williams, N. (2006). *Social research methods*. Thousand Oaks: Sage.
- Wilson. S. (2002). *Information Art (intersections of art, science, technology)*. London and Massachusetts: MIT Press.
- Winner, E., Goldstein, T. and Vincent-Lancrin, S. (2013), *Art for Art's Sake? The Impact of Arts Education*, OECD Publishing, Paris.
- Wyse, D. Ferrari, A. (2014). Creativity and education: comparing the national curricula of the states of the European Union and the United Kingdom. *British Educational Research Journal*, 2(s4), PP1-18. ,

Archive of SID